

دغدغه گفت و گوی تمدن‌ها در هزاره سوم میلادی

سید علی حائری زاده (نویسنده اصلی)

داوود نادمی

چکیده

کنش‌های اندیشه بنیاد و عقل مدار همواره باعث نزدیک شدن تمدن‌ها و فرهنگ‌ها گردیده است. این کنش‌ها نیازمند روند مستمر و پایدار هستند. ثابت ماندن در جهان متغیر لطمه زیادی به جامعه و فرهنگ خودی وارد می‌سازد. در این راستا گفت‌وگو تمدن‌ها می‌تواند راه‌های بسیاری را بگشاید که قبل از این وجود نداشت و یا به سختی قابل تحصیل بود. در عین حال گفت و گوی تمدن‌ها خود شامل نیازهایی نظیر نیازهای تمدنی، تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از یک سو، و موانعی نظیر شکاف ارتباطی (مبتنی بر فرهنگ)، موانع سازمانی یا ساختاری، و موانع فنی است.

کلید واژه‌ها: گفت و گو، تمدن، ضرورت، موانع، تئوری‌ها.

طرح و بیان مسأله

آیا گفت و گو میان تمدن‌ها امکان‌پذیر است؟ پاسخی که ساموئل هانتینگتون استاد رشته مسائل بین‌المللی و مطالعات استراتژیک در دانشگاه‌ها دارد، در بخش اعظم کتاب پرآوازه خود یعنی «برخورد تمدن‌ها» به این پرسش می‌دهد، منفی است. او بر اساس مبانی نظری خود استدلال می‌کند که تمدن‌های بزرگ جهانی در مسیر ستیز و برخورد با هم‌دیگر به پیش می‌روند. دلیل این امر آن است که به اعتقاد او مشابهت‌های فرهنگی به همکاری میان افراد می‌انجامد و اختلافات فرهنگی به تعرض: «مردم به سوی کسانی می‌شتابند که با آنان اجداد، دین، زبان، ارزش‌ها و نهادهای مشترک دارند و خود را از کسانی که در این امور با ایشان اشتراک ندارند دور نگه می‌دارند» (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۶).

در تاریخ جوامع پیشین، کنش‌های عضله بنیاد میان فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ملت‌ها بیش‌ترین لطمه و خسارت را بر بشریت وارد ساخته است. این کنش‌ها پیوسته پیامدهای دفعی فرسایشی را تقویت نموده و اثرات قلیلی و

تضعیفی را بر بنیة تمدن‌ها وارد ساخته است. در مقابل آن، کنش‌های اندیشه بنیاد و عقل مدار علاوه بر آنکه موجب شده است میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نوعی جذبه فراهم آورد که بالمال منافع عظیمی را نصیب هر یک از تمدن‌ها ساخته، همچنین موجب گردیده اثرات تکنیری و افزایشی را بر بنیة تمدن‌ها جاری سازد. رشد و پویایی تمدن‌ها منتج نوع اخیر کنش است. به تعبیر یورگن هابرماس «در نزاع جسم‌ها، انسان‌ها کشته می‌شوند ولی در نزاع اندیشه‌ها، انسان‌ها آگاهی می‌یابند و روز به روز آگاهی‌های خود را رمتق و قوت می‌بخشند» (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

به رغم تافلر ما در عصر کنونی با موج سوم مواجه هستیم که شبیه جهش کوتومی در فیزیک است. این عصر که عصر ارتباطات، یا عصر انفجار اطلاعات نام گرفته است با امواج تاریخی گذشته متفاوت است. موج نخست که هزاران سال به طول انجامید نمادی همچون «کج بیل» را به ما ارایه می‌کند. این نماد فی الواقع امتداد قوای جسمانی و عضلانی بشر است. موج دوم که حدود ۳۰۰ سال ادامه یافت، ظهور تمدن صنعتی را به ارمغان آورد و خط مونتاژ را می‌توان نماد این موج تلقی نمود. این نماد همانا امتداد قوای عضلانی بشر تلقی می‌شود. در موج سوم بانمادی همچون کامپیوتر مواجه می‌باشیم که قوه اندیشه و عقل و نیز روح خلاقیت و نقس محاسبه‌گر انسان را امتداد می‌بخشد. در این موج ملاحظه می‌کنیم که شیوه‌های نوین خلاقیت و بهره‌برداری از دانایی نقش عمده‌ای را فرا راه بشر قرار می‌دهد. به تعبیر تافلر نویسندگان، دانشمندان، هنرمندان و روزنامه نگاران، کنش‌گران اصلی این موج به شمار می‌آیند. کشورهایی که توانسته‌اند موج سوم را به خوبی دریافت کنند هم اینک اطلاعات، نوآوری، مدیریت، فرهنگ، تکنولوژی پیش‌رفته، نرم افزار، آموزش و پرورش، بازآموزی، مراقبت پزشکی، خدمات مالی و سایر خدمات رابه عنوان محصولات خود به جهان عرضه می‌نمایند. «نظریه موجی به ما می‌گوید که مهم‌ترین تعارضی که با آن مواجهیم نه بین اسلام و غرب است و نه چنان که «ساموئل هانتینگتون» گفته است بقیه جهان و غرب» (صباغ‌پور، ۱۳۷۷: ۱۷۲). همچنین برخلاف اظهار «پال کندی» و «نیز برخلاف قول فرانسیس فوکویاما» با پایان تاریخ روبرو نیستیم. عمیق‌ترین دگرگونی اقتصادی و استراتژیک چیزی نیست «جز تقسیم در شرف وقوع جهان به سه تمدن مشخص و متفاوت و بالقوه معارض که البته با تعاریف مرسوم و متعارف فعلی قابل تشریح نیستند» (تافلر، ۱۳۷۶: ۳۸).

اهمیت تحقیق

گفت و گو نوعی تعامل فرهنگی بین کنش‌گران فردی و جمعی است. موضوع گفت و گو هر چه که باشد (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) هدفش یکی است و آن دستیابی به وفاقی تفاهمی باروشی اقناعی و مبتنی بر خرد جمعی انتقادی است.

ثابت ماندن در جهان متغیر لطمه زیادی به جامعه و فرهنگ خودی وارد می‌سازد. در این جهان متغیر، گفت‌وگو تمدن‌ها می‌تواند راه‌های بسیاری را برای ما بگشاید که تاکنون از دریافت آن عاجز بوده ایم. نمونه‌هایی از تغییر و تحول را رونالد اینگلهارت در کتاب خود تحت عنوان «تحول فرهنگی در جامعه پیش‌رفته صنعتی» طرح نموده است. از جمله تغییرات و تحولات در «ارزش‌های فرامادی، دگرگونی در نظام‌های اعتقادی توده‌ها، دگرگونی طبقات اجتماعی، دگرگونی در گرایش‌های مذهبی، نقش‌ها و هنجارهای جنسی، مسأله تطابق آرزوها با واقعیت‌ها، جنبش‌های نوین اجتماعی و...» صورت پذیرفته است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۱۶).

شکی نیست که تحولات عصر کنونی و تغییر ذائقه جوامع، در محدوده یک فرهنگ و در قالب یک تمدن واحد بسته قابل تبیین نیست. این کنش متقابل جوامع در اطراف موضوعات فرهنگ، سیاست، هنر، اقتصاد، صنعت... است که به چنین تحولاتی دامن زده است. فروپاشی دیوارهای اطلاعاتی و گسترش برق آسای صنعت ارتباطات موجب گشته است که تمدن‌ها به نوعی در معرض ارتباط تاروپودی قرار گیرند. ظاهراً چاره‌ای جز این دیده نمی‌شود که تمام تمدن‌ها خود را در مظان ارتباط رسمی و نهادینه قرار دهند. عدم توجه به نهادینه شدن ارتباط تمدن‌ها در قالب گفت و گو و هم‌کنشی، باعث خلاص شدن تمدن‌های متصلب و انزواگزين از پیامدهای تحولات فرهنگی جهان نخواهد شد. در جامعه ایران به رغم دل‌نگرانی‌های برخی سیاست‌گذاران و کارگزاران حکومتی، شاهد تغییر سبک‌ها، مدل‌ها و انگاره‌های فرهنگی می‌باشیم و این روند به طور طبیعی طی خواهد شد. توجه به گفت و گوی تمدن‌ها این مزیت حداقل را خواهد داشت که اول اینکه خود به بازنگری تمدن و فرهنگ خویش پردازیم و آن را به طور مطلوب حساب شده و مدبرانه به مردم معرفی کنیم دوم اینکه تمدن‌های بیگانه را بیش از پیش نسبت به جنبه‌های مثبت و مفید فرهنگ خود آشنا سازیم. نقد اندیشمندان تمدن خودی و اخذ هوشمندانه سایر تمدن‌ها، یگانه طریق خروج از انفعال و انعزال فرهنگی تلقی می‌شود.

در عین حال گفت و گوی تمدن‌ها یک اندیشه است. اندیشه، تجسم انتزاعی واقعیت در ذهن می‌باشد. در حقیقت اندیشه پیش زمینه‌ای است برای پدید آوردن یک مفهوم. مفهومی که سعی می‌کند بیشتر بار تجربی داشته باشد.

ادعا می‌کنیم که بیش از دو گزینه، پیش‌روی ما نیست: «برخورد» و یا «گفت و گو». در زمانه‌ای زیست می‌کنیم که نمی‌توان به گزینه سومی اندیشید، از واطلبی پیشه کرد و از دنیا و مافی‌ها برید. ما را در «برخورد» حاصل نیست، پس باید به گفت و گو اندیشید. بی‌تردید هر نوع گفت و گویی ملفوف و پیچیده در روابط و فن‌آوری‌های قدرت است. بهتر بگوییم «گفت و گو» خود نوعی «فن‌آوری قدرت» است. برای مصون ماندن از رابطه یک‌سویه آن می‌باید «تعامل و ترابط» را در دستور کار خود قرار داد. و باید به «گفت و گو» پرداخت. گفت و گو یکی از عوامل و شاخصه‌های توسعه فرهنگی است. هر موقع و هر کجا راه‌های غیر فرهنگی و خشونت‌آمیز برخورد با مسئله (منولوگ) به بن بست رسیده، گفت و گو به عنوان آلترناتیو همیشه مطرح بوده است ولی میزان گرایش و اقبال به آن بر حسب شرایط اجتماعی فرق می‌کرده است. از طریق گفت و گو و هم‌سخنی، حقیقت تازه‌ای به دست می‌آید و ارتباط متقابل را تسهیل می‌سازد و دست‌یابی به مسائل مشترک حال و آینده جوامع را آسان می‌کند. می‌توان با شعور و آگاهی طرح‌های نو درآفکند و شیوه‌های خردمندانه‌ای برای بهینه‌سازی روابط بشر ارایه داد و بیم‌ها و امیدهای آینده بشری را به گونه‌ی صمیمی پاسخ گو بود. در گفت و گو می‌توان ارزش‌های برگرفته از تمدن‌های دیگر را با اصول قانونی و دیدگاه‌های فرهنگی خودی سازماندهی نمود (پایا، ۱۳۷۷: ۴۱).

اهداف و روش تحقیق

- ۱- کشف حقایق تازه از طریق گفت و گو و هم‌سخنی
 - ۲- پاسخ دادن به بیم‌ها و امیدهای آینده بشر از طریق گفت و گو
 - ۳- ارایه شیوه‌های خردمندانه برای بهینه‌سازی روابط افراد
 - ۴- آشنا ساختن فرهنگ و تمدن‌های بیگانه با فرهنگ و تمدن خودی
 - ۵- خروج از انفعال و انزال از طریق گفت و گو.
- روش تحقیق در مقاله حاضر اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است.

بررسی ماهیت، شاخصه‌ها، معیارها، هدف، انگیزه و موضوع گفت و گو

معنای گفت و گو نتیجه شماری از تحولات در دیدگاه‌های معرفت شناسانه انسان مدرن است (پایا، ۱۳۸۱: ۶۷). گفت و گو کاوش مشترک برای دستیابی به فهم، ارتباط و امکان افزون تر انسانی است (همان: ۱۱). در یک عبارت کلی، گفت و گو روندی است تعاملی میان دو یا چند گفت و گو کننده که هدف از آن رسیدن به یک نتیجه کلی است. مقصود ما در اینجا از گفت و گو، مفهوم محاوره نمی باشد. معمولاً در یک محاوره لزوماً حصول یک نتیجه کلی مدّ نظر نمی باشد و موضوعات هم کاملاً مشخص نیستند و بستگی به شرایط زمان و مکان دارد.

اما آنچه مدّ نظر ما از گفت و گو "Dialogue" می باشد، روندی است هدف دار و در عین حال نسبی، که حد فاصل بین تفاهم و تضاد می باشد. به عبارت دیگر در روند گفت و گو ما تلاشی را برای رسیدن به هدف مشخص طی می کنیم که حالت کلی آن «رسیدن به تفاهم» است.

مهم ترین شاخصه‌ها و معیارهای گفت و گو عبارتند از:

- ۱- اصل لزوم شناخت دیگران و آگاهی از مواضع خود و دیگران و شناخت درست از فرهنگ‌ها و ویژگی‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی که زمینه را برای صلح جهانی آماده می سازد. در واقع مفاهمه تمدنی مستلزم درک هویت ویژگی‌های هر تمدن و قبول آن هویت است.
- ۲- بلوغ فکری متکی بر استدلال عقلانی در این گفت و گوها.
- ۳- اصل پذیرفتن وجود آراء و عقاید و فرهنگ‌های متفاوت و مبانی و اصول آن‌ها و به رسمیت شناختن تمدن‌های دیگر.
- ۴- اصل امکان حصول وحدت و دستیابی به مواضع مشترک و پراختن به امر گفت و گوی تمدن‌ها پس از کشف مشترکات.
- ۵- اصل آزادی در فکر و اندیشه و انتخاب برای دیگران.
- ۶- اصل احترام به مواضع دیگران.
- ۷- اصل وثوق به رفتارها و تصمیمات دیگران.
- ۸- جایگزینی اصل تعاون به جای از میدان خارج نمودن قطب مقابل و در نظر گرفتن منافع هر یک از طرفین گفت و گو.

- ۹- فهم اصل ضرورت گفت و گو به جای برخورد و تعارض.
- ۱۰- افق تمدن‌ها را به سوی هم باز دیدن و پلی بین فرهنگ‌ها ساختن.
- ۱۱- درک متقابل ارزش‌های مشترک.
- ۱۲- داد و ستد اندیشه میان نخبگان فکری و نه سیاسی برای تبادل آراء و نظرات و شناخت عمیق طرفین از میراث‌های کهن و رویکردها و نگرش‌های جدید (پایا، ۱۳۷۷: ۴۵).
- هدف گفت و گو،** می‌تواند اصالت دادن به قدرت کلام صالحان، مبتنی بر عقل و فطرت انسانی، برای ایجاد تعادل در مسیر حرکت به سوی تکامل بر بستر فرهنگ و دانش مشترک باشد.
- انگیزه گفت و گو،** تضمین استمرار زندگی و امنیت انسان‌ها بر اساس هدف فوق باشد.
- موضوع گفت و گو،** می‌تواند پیرامون چگونگی رفع موانع و مشکلات مادی و معنوی مردم، برای ایجاد، تقویت، گسترش فرهنگ و دانش مشترک جهانی و بهینه‌سازی رابطه بین سیاست و مدیریت منابع جهانی باشد (همان: ۴۴).

استلزامات خاص گفت و گوی تمدن‌ها

گفت و گو در هر سطحی دارای استلزامات خاصی چون نفی خشونت، احساس نیاز به مفاهمه یعنی شنیدن و یادگیری، خردگرایی، پذیرش و احترام متقابل، زبان مشترک حوزه عمومی به دور از هر نوع سلطه، فرصت و موضع برابر، بردباری، تسامح در برابر تفاوت‌ها، آزادی فکر و بیان، تألیف منافع فردی در پرتو مصالح جمعی، یگانگی با حفظ هویت‌ها و احساس مسئولیت و تعهد متقابل در به ثمر رساندن گفت و گو و آمادگی برای پذیرش و اجرای نتایج آن است.

بررسی نیازهایی که زمینه ساز گفت و گوی تمدن‌ها هستند

آنچه که زمینه ساز گفت و گوی تمدن‌ها به شمار می‌آید سلسله نیازهایی است که در زیر معرفی می‌گردد:

۱- نیازهای تمدنی

هر تمدنی برای پویایی و ماندگاری خویش پیوسته ناچار است با محیط‌های پیرامونی خود وارد تعامل گردد. در گذشته مسأله اساسی تمدن‌ها، اصل ماندگاری بوده است، لذا برای حفظ خودش چرخه تعالی خود

را از طریق ستیزه جویانه کامل می‌ساخت. رویارویی تمدن اسلام و مسیحیت و بروز جنگ‌های صلیبی مصداق روشن چنین ساز و کاری بوده است. در عصر کنونی، بشر دریافته است که هر تمدنی ممکن است دولت مستعجلی داشته باشد و روز به روز نحیف تر و لاغرتر شود. نگاه ایستایی شناسانه به تمدن خودی، اجل آن را سرعت می‌بخشد. هم اینک دیگر نمی‌توان گفت که در کشور ایران یک تمدن با یک فرهنگ بومی حاکم است. عناصر بسیار گسترده‌ای، در فرهنگ غیربومی ما در سایر کشورها و جوامع اروپایی و آمریکایی و آسیای دور قابل ردیابی و مشاهده هستند. در این وضعیت نگرش «پویایی شناسی» در کنار نگاه «ایستایی شناختی» می‌تواند ما را در تقویت تمدن خودی کمک نماید. در ایستایی شناختی، تمدن را به منزله یک ساختمان و حداکثر به مثابه یک سیستم مکانیکی در نظر می‌آوریم در حالی که در پویایی شناسی به منزله یک ارگانیسم زنده و یک سیستم باز که حیات و موجودیت زنده داشته و قابل رشد و نمو است به تمدن نظر می‌کنیم. در جهان کنونی پویایی و ماندگاری تمدن‌ها کاملاً به ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر بستگی دارد.

۲- نیازهای بین‌المللی

هر دولت و نظام سیاسی خاستگاه تمدنی خویش را یدک می‌کشد طرز نگرش دولت‌ها نسبت به صلح جهانی، دیپلماسی، جنگ و... به طور روشن یا پیچیده متأثر از مضامین فکری، فرهنگی و رفتاری دولت‌ها است. گفت و گوی تمدن‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که دولت‌ها با معرفی شالوده تمدنی به یک‌دیگر به میثاقی جهانی دست یابند تا حوادث تلخ و ناگوار گذشته به حداقل ممکن کاهش یابد تا ملت‌ها در قالب صلح جهانی به وضعیت ثبات و آرامش دست یابند.

۳- سلسله نیازهای اقتصادی سیاسی، اجتماعی:

هر کشوری برای تحصیل «منافع ملی» (National Interests)، «ناچار به صیانت ذات» (Self-Preservation)، «استقلال» (Independence)، «وحدت قلمرو» (Territorial Integrity)، «امنیت ملی» (National Security) و «شرایط مطلوب اقتصادی» (Economic Well-Being) است. ایده گفت و گوی تمدن‌ها طی فرایندهای پیچیده و گاه روشنی برای حصول منافع ملی و موارد شمول آن کمک شایانی می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۹۹).

شاید بتوان گفت مهم ترین زمینه ساز گفت و گوی تمدن‌ها مسایل اقتصادی و به طور کلی مسائل معطوف به منافع ملی است. چرا که ثبات سیاسی در دراز مدت این ضرورت را به تصمیم سازان تحمیل می کند که اصل گفت و گو را پیوسته در برنامه‌های خود تحت نظر قرار دهند. به عنوان مثال اگر گفت و شنود صنعتی و تخصص (حرفه ای) را بخشی از گفت و گوی تمدن‌ها و نمونه کوچکی از آن در نظر بگیریم نتایج آن در جهت تأمین منافع ملی کاملاً روشن می گردد. این نمونه را «آرنولد پیسی» در کتاب خود به خوبی توضیح داده است.

وی معتقد است: چنین گفت و شنودی در سطوح گوناگون است و به عنوان مناظره بین مجموعه ارزش‌های متضاد ضرورت دارد. به عنوان وسیله متعادل کننده دیدهای محدود تخصصی در برابر بیش‌های وسیع تدراری اهمیت بسیار زیادی در انگیزش از راه کنش متقابل است که گاهی به دگرگونی وسایل یا سازگاری جدید بین سازمان و تکنیک می انجامد. با این شنیده‌ها، اگر گفت و گو یا کنش متقابل را بتوان تقویت کرد امکان دارد نوآوری‌های آینده ارتباط بیشتری با مسائل و نیازهای ما داشته باشد تا با آرمان‌های تکنیکی مطلوب متخصصان (پیسی، ۱۳۶۷: ۲۵۹). «نگرانی برخی صاحب‌نظران در بحث منافع ملی و ارتباط آن با گفت و گوی تمدن‌ها در کشورمان از این جهت است که کشور پیشنهاد دهنده گفت و گوی تمدن‌ها به واسطه کج اندیشی، چالش‌های فرهنگی داخلی، علوم اجرای موفق یک سمبل و مدل کوچک گفت و گو در جامعه خود و... نهایتاً نتواند این فرصت گفت و گوی تمدن‌ها در جهت منافع ملی بهره گیرد (فولادوند، ۱۳۷۶: ۴۲۵).

نگاهی مردم شناختی به تمدن‌ها

از زاویه مردم شناسی «Ethndogy» تمدن‌ها از دو طریق نشو و نما می یابند. طریق نخست در چارچوب نظریه‌های تکاملی قابل تبیین است. پس از انعقاد نطفه تمدن‌ها، آنچه آن‌ها را بسط و گسترش می دهد تکامل Evolution و اثر تضایفی کنش‌های درون تمدنی حاملان آن می باشد. طریق دیگر در چارچوب «نظریه سرایت» تبیین می گردد.

بدین معنا که تمدن‌ها در مواجهه با یک دیگر عناصری از هم اخذ می کنند. مردم شناسان این جریان را تراوش فرهنگی (اصطلاح انگلیسی) نام نهاده اند. همان گونه که سیستم‌ها در مواجهه با نظام‌های پیرامونی خود دچار تأثیر برهم کنشی مضاعف می گردند، تمدن‌ها نیز پیوسته با بده بستان‌های خود روز به روز رشد و نمو

بیشتری می‌نمایند. واضح است که در مراحل شکل‌گیری و نمو تمدن‌ها، سهم تراوش و سرایت بیش از سهم تکامل درونی، خودجوش و ایزوله هر تمدن است. بسیاری از سبک‌ها، آیین‌ها، مناسک، سنت‌ها و شیوه‌های قومی فرهنگی را می‌توان در سایر تمدن‌ها نیز ردیابی نمود. براین اساس پیوسته تمدن‌ها در کنش متقابل به سر می‌برند، این کنش ممکن است در زمینه‌های کاملاً متفاوت شکل بگیرد. گاهی «تقابل» تمدن‌ها منجر به تراوش و انتقال فرهنگی می‌گردد و گاه نیز «تفاعل» آنها با یکدیگر به تراوش و انتقال فرهنگی می‌انجامد. با این تعبیر می‌توان چنین نتیجه گرفت که عناصری از تمدن بیگانه در هر جلوه و صورتی که تصور کنیم چه در قالب جنگ و اشغال سرزمین، چه در قالب حضور استعمار و چه در وضعیت صلح و یا «نه جنگ و نه صلح» (به واسطه گسترش ارتباطات جهانی) امکان سفر به تمدن خودی را دارد (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۴۶). ذکر مصادیق تاریخی این موارد از حوصله بحث حاضر خارج است.

البته در برخی جوامع دیده می‌شود استحکام تمدن‌هایی که بر اثر روش مفاهمه و گفت و گو شکل گرفته اند، بیشتر از سایر تمدن‌هاست. «مزیت مفاهمه و گفت و گو در این است که هنگامی که میان گویندگان و شنوندگان اختلاف نظری بروز میکند، آنها تنها در صورتی می‌توانند بدون توسل آشکار یا پنهان به فریب یا خشونت، همچنان با یکدیگر ارتباط و مفاهمه داشته باشند که دلیل بیاورند و دلیل بخواهند، هنگامی که صحت مدعیاتشان مورد تردید قرار می‌گیرد مکلف به اقامه دلیل اند و نیروی الزام آور «اعمال گفتاری» (Speech- Acts) در گرو نیرومندی غیرخشن همین دلایل است. تعالیم ادیان بزرگ جهانی در صورتی به حیات خود ادامه می‌دهند که همچنان از نیروی غیرخشن نافذ، انگاره‌های پر قدرت، تبیین‌های متقاعد کننده و براهین کلامی بهره جویند.

اما این نیرو صرفاً از طریق ارتباط و مفاهمه ای سالم و خالی از قهر گسترش می‌یابد. تعالیم قدسی می‌توانند بر نسل‌های آتی تأثیری وجودی بگذارند به شرط آنکه این تعالیم بتوانند اذهان انسان‌هایی را که هم حساسند و هم آسیب پذیر از درون شکل دهند. یعنی نه از طریق تلقین و تمکین، بلکه از طریق اقناع عقلانی انسان‌ها... امروزه اتخاذ چنین موضع نقادانه ای، شرط ضروری تداوم هرمنوتیکی هر سنت ماندگاری است (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

موانع گفت و گوی تمدن‌ها

گفت و گو اساساً یک ارتباط است. یک ارتباط ایده آل و صحیح ممکن است با موانعی روبرو شود که نهایتاً آن ارتباط از ایده آل خود اندکی پایین تر تحقق یابد. موانع عمده یک ارتباط عبارتند از موانع انسانی، موانع سازمانی یا ساختاری و موانع فنی (محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۱۶۱). در بخش موانع انسانی که عمده تفاوت‌های اکتسابی انسان‌ها قابل مشاهده است. تفاوت در ارزش‌های فردی، شکاف فرهنگی میان دو طرف گفت و گو (ارتباط)، تفاوت در تصورات ذهنی و ادراکی، تفاوت در قدرت تعبیر و تفسیر پدیده‌ها و موضوعات، تفاوت در نحوه قضاوت و داوری و تفاوت در میزان علم و دانش و اطلاعات از جمله موانعی است که در هر گفت و گویی عارض می‌شود (محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۱۶۵).

برای احتراز از پیامدهای ناشی از تفاوت‌های فوق در گفت و گوی تمدن‌ها، هر تمدنی ناچار خواهد بود تمدن مقابل خود را به رسمیت بشناسد و انگاره‌ها و مبانی آن را به جد بررسی کند. تعصب‌ها و تصلب‌های تمدنی را کاهش دهد و حق مطلق را نه در تمدن خویش و نه در تمدن مقابل جستجو نکند چرا که حق مطلق دست نیافتنی است.

در گفت و گو اگر یک طرف خود را ثابت بداند و با هر ایده جدیدی تکان نخورد مسلماً طرف دیگر گفت و گو از ادامه کار منصرف می‌گردد. موانع سازمانی یا ساختاری نیز قدری گفت و گوی تمدن‌ها را صعب می‌کند. باید دانست طی دهه‌های گذشته متفکرین و دانشمندان تمدن‌های مختلف همواره با یکدیگر بحث و گفت و گو داشته اند لیکن نهادینه شدن گفت و گو لازمه هر کنش ارتباطی مؤثر و نافذی است. سازمان‌های متولی گفت و گوی تمدن‌ها بایستی به گونه‌ای شکل بگیرند که بتوانند ضمن فراهم آوری زمینه مشترک و شرایط مساوی، از هر گونه اعمال نظر سیاسی و دخالت قطب‌هایی جهانی در فرایند گفت و گو و نیز دیپلماسی تک صدایی جلوگیری به عمل آورند (محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۱۶۸).

بخشی از موانع فنی ناظر بر محتوای گفت و گو و بخش دیگر آن نیز به طرفین گفت و گو مربوط می‌گردد. گزینش موضوعات و تم‌های غیر مفید و مؤثر و تنزل گفت و گوی تمدن‌ها به گفت و گوهای سیاسی به جای گفت و گوی اندیشه‌ها و نیز معرفی سیاست‌مداران را به جای اندیشمندان برای گفت و گو اجرای جریان گفت و گوی تمدن‌ها را که جامعه جهانی تشنه آن بوده است و به مجرد پیشنهاد رییس جمهور ایران به تصویب اکثریت نمایندگان کشورها رسید با ناکامی مواجه می‌سازد. مقاومت یک تمدن در مواجهه با

تمدن‌های هم‌جوار خود از موانع فنی دیگر گفت و گو به شمار می‌رود. هرگاه تمدن‌ها انعطاف پذیری کمتری داشته باشند احتمال رویارویی آن‌ها افزایش می‌یابد (همان: ۱۷۴).

زمینه‌های تئوریک و چارچوب مفهومی گفت و گوی تمدن‌ها

دانشمندانی همچون «اشپینگلر»، «توین بی» و نیز «ویل دورانت» در ابتدای کتاب تاریخ تمدن در باب ریشه و ماهیت تمدن‌ها، پیدایش، تحول، تطور و خصال آن‌ها نکته‌های دقیقی مطرح ساخته‌اند. علاوه بر این در مطالعات کاربردی می‌توان تمدن را به عنوان یک متن (Text) و شرایط اجتماعی آن تمدن را به مثابه زمینه ای (Context) در نظر گرفت و با استفاده از ایده‌های مردم‌شناسی فرهنگی به مطالعات موردی (Case Studies) در زمینه بافت، ساختار، روندها و کارکردهای هر تمدن دست زد. اگرچه مکتب کنش متقابل نمادی (Symbolic Interactionsm) در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی کارآیی ویژه ای دارد لیکن می‌توان از برخی مفاهیم و چهارچوب‌های این مکتب برای مطالعه یک تمدن استفاده نمود. اینکه پاره‌های هر تمدن به مثابه خرده فرهنگ‌ها (Sub-Cultures) چگونه در درون خود کنش می‌ورزند و به تعامل مشغول می‌شوند و در قالب این مکتب قابل بررسی است.

آینده‌نگری تمدن‌ها در علوم اجتماعی، فرضیات و نظریات متعددی را ایجاد کرده است. «فرضیه تقارب» (Convergence Thesis) «تئوری پایان ایدئولوژی» (Exnd of Ideology Theory)، «بحث‌های مربوط به جوامع پیش‌رفته صنعتی» (Post Industrial Society) و «پست مدرنیسم» (Post Modernism) و... فرضیات و تئوری‌هایی هستند که رو به آینده دارند. به عنوان مثال فرضیه خوش‌بینانه تقارب که در دهه ۱۹۶۰ رواج داشته است مدعی است که جریان صنعتی شدن خصوصیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشترک و متحدالشکلی را در جوامعی که قبل از صنعتی شدن شاید زمینه‌های تاریخی و ساختارهای اجتماعی بسیار متفاوتی داشته‌اند، به وجود می‌آورد. کلیه جوامع در نقطه مشترکی با یک‌دیگر متقارب می‌شوند، چون صنعتی شدن خصوصیات مشترکی را ایجاد می‌کند تا بتواند با کارآیی از عهده انجام وظایف خود برآید (آبر کرامی، ۱۳۶۷: ۹۱). از لوازم تقارب در صورت برخورداری از منطق صنعت‌گرایی، گرایش به صفات غیر فرقه‌ای، شهری، تحرکی و مردم‌سالارانه است (همان: ۹۳).

در چهارچوب مباحث جامعه‌شناسی ارتباطات نیز می‌توان به منابع تئوریک غنی و مفیدی دست یافت و کار بست آن‌ها را در گفت و گوی تمدن‌ها تبیین نمود. مدل‌هایی که در مقوله ارتباط‌شناسی و تنظیم ارتباطات به کار می‌روند برای گفت و گوی تمدن‌ها کارساز می‌باشند. برای نمونه مدل «آتهیل دوسلاپول» (Itheiel de Solapool) و مدل ارتباطی «کلودشنن و وارن ویور» (Claude Schannon & Warren Weaver) را می‌توان نام برد (محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۲۵۰).

علاوه بر این «مدل ویلبر شرآم» (Wilber Schramm) که بر محور اشتراک هم‌نوایی و درک متقابل پیام طرفین استوار است می‌تواند قابل توجه باشد. شرآم برای یک ارتباط سه عنصر محوری منبع، پیام و مقصد را مطرح می‌سازد. اگر میان منبع و مقصد زبان مشترکی وجود نداشته باشد مشکلات بسیار زیادی ایجاد می‌شود. در اینجا است که وی اصطلاح «میدان تجربه» (Field of Experience) را مطرح می‌سازد (محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۲۶۰). در نمودار شرآم میدان تجربه دو بیضی می‌باشد که هر کدام متعلق به یکی از طرفین گفت و گو است. هر چه این دو بیضی به هم نزدیک‌تر باشند و یا یک‌دیگر را قطع نمایند، ممکن است مشترکات ذهنی، اطلاعاتی، فرهنگی و حتی زبانی آن‌ها بیشتر باشد. در اینجا فهم و درک متقابل در کوتاه‌ترین زمان ممکن حاصل می‌گردد (همان: ۲۷۳).

مدل «دیوید برلو» که به S.M.C.R مشهور است دارای چهار رکن عمده می‌باشد که عبارتند از: منبع «Source»، پیام «message»، کانال «channel» و گیرنده «receiver» (محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۲۷۵). در بحث‌های منبع و گیرنده مفاهیمی از قبیل مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها، معلومات، نظام اجتماعی و فرهنگی از سوی برلو واری شده است. وی در بخش پیام به مفاهیمی از قبیل عناصر، ساخت، محتوا و رمز پیام اشاره کرده است. در بخش کانال نیز به حواس ارگانیک پرداخته است (همان: ۳۷۷). آنچه که از مدل برلو می‌توان برای گفت و گو تمدن‌ها بهره گرفت مفهوم نگرش است. مطابق این مفهوم نوعی خوداتکایی در ارتباط با دیگران، اعتماد به نفس و عدم عزلت در ارتباط و عدم رنج در بیان مواضع (عدم احساس حقارت)، باید در طرفین گفت و گو ایجاد شود. این بخش نگرش فرد را نسبت به خود تبیین می‌کند. از طرف دیگر برلو در نگرش فرد نسبت به مطلب خود اشاره می‌کند به اینکه آیا فرد به مطالبش اعتقاد دارد و موضع خود را می‌پسندد؟ اینکه به اصل گفت و گو به عنوان یک ضرورت ایمان دارد و اینکه مطالب خود را جدی می‌گیرد و برای بیان آن حاضر است استدلال‌های قرص و محکمی بیاورد.

همچنین نگرش فرد نسبت به طرف مقابلش چگونه است؟ آیا نگرش منفی دارد یا مثبت؟ این مسأله روی پیام فرد تأثیر می‌گذارد.

سطح دانش و مقدار آن نزد فرد بر موضوع گفت و گو تأثیر خواهد گذاشت. اگر او چیزی نداند، پیام واصله ارزش چندانی برای وی نخواهد داشت، اگر زیاد بداند، ممکن است طرف مقابل نتواند آن را درک کند (محسینیان‌راد، ۱۳۶۹: ۳۵۲).

آن‌چنان که پیدا است «گفت و گوی تمدن‌ها» شاخص یک دیدگاه تازه است که بر اساس آن به جای تقابل، تضاد و تعارض توصیه به گفت و گو و تفاهم می‌کند. به عبارت دیگر مفهوم گفت و گوی تمدن‌ها بر چند اصل بنا شده که بدون آن‌ها قابل پذیرش نیست:

۱- پذیرش مفهوم «تمدن» و نیز مفهوم «فرهنگ» به عنوان عاملی پایه و تعیین کننده در جهان کنونی: هنگامی که صحبت از «گفت و گوی تمدن‌ها» می‌شود، «تمدن‌ها» به عنوان واحدهای اصلی و تعیین کننده در عرصه روابط بین‌الملل پذیرفته شده‌اند. کاربرد اصطلاح «تمدن» به جای «ملت» یا «دولت» به معنی اصالت دادن به مفهوم تمدن است و پذیرش اینکه در جهان کنونی، تمدن‌ها به عنوان بازیگران و عناصر اصلی نظام جهانی نقش می‌آفرینند. از این رو به نظر می‌رسد که در این دیدگاه، مسأله جایگزینی واحدهای تمدنی به جای واحدهای ملی در عرصه جهانی مدنظر است.

۲- پذیرش تنوع، تغایر و تمایز موجود میان تمدن‌ها: پیشنهاد گفت و گوی تمدن‌ها زمانی قابل ارایه است که در آن تنوع و تمایز میان مدیتهای مختلف پذیرفته شده باشد. در این صورت نظریه‌هایی که معتقد به یک‌پارچگی تدریجی تمدن جهانی هستند، چندان به مدد گفت و گوی تمدن‌ها نمی‌آیند. زیرا پیش فرض این مفهوم چندگانگی و تغایر تمدن‌های مختلف است. بنابراین بر اساس مفهوم گفت و گوی تمدن‌ها باید به دنبال شناخت حوزه‌های مختلف تمدنی بود و آن را به تفکیک از یک‌دیگر شناخت. تا زمانی که معلوم نشود که چند تمدن و هر یک با چه مشخصاتی وجود دارند، نمی‌توان سخن از گفت و گوی میان آن‌ها به عمل آورد. اما مسأله تا این حد روشن است که تمدن‌هایی مانند «تمدن ایرانی-اسلامی» و «تمدن غربی» وجود دارند. در این دیدگاه وجود تمدن‌های مختلف در جهان کنون پذیرفته شده است اما مشخصات و تعداد آن‌ها هنوز به طور مشخص تعیین نگردیده است.

۳- پذیرش الگوی رفتار مصالحه‌جویانه و تفاهم‌آمیز به جای الگوی تعارض و مناقشه: پیشنهاد

سیاست گفت و گوی تمدن‌ها برای جایگزینی الگوی مسالمت‌جویی و هم‌زیستی به جای تعارض و تقابل است. بر اساس این دیدگاه، فرهنگ عرصه ستیز و جنگ نیست بلکه عرصه گفت و گو و هم‌سخنی است. ممکن است تمدن‌ها با یک‌دیگر مغایر باشند. اما مغایرت آن‌ها دلیل ستیز خصمانه آن‌ها نیست. چون تفاوت‌های فکری و فرهنگی، تمدن‌ها را از هم متمایز می‌سازند. بنابراین روابط میان آن‌ها باید بر اساس روابط فکری و فرهنگی تنظیم شود.

در رابطه فرهنگی نیز الگوی ستیز و جنگ چندان به کار نمی‌آید و بالعکس گفت و گو و تفاهم اساس روابط میان تمدن‌ها است. بنابراین در دیدگاه «گفت و گوی تمدن‌ها» الگوی «تعارض منافع» کاربردی زیادی ندارد. تعارض منافع ملی که کلید اصلی مطالعات بین‌المللی در نیم قرن گذشته بوده‌اند، از نظر این دیدگاه جایگاه خود را از دست داده است و دیگر نمی‌توان سیاست خارجی را صرفاً بر اساس آن سازمان‌دهی کرد. بلکه لازم است تا الگوی جدیدی که به تفاهم میان تمدن‌ها مبتنی است بر روابط میان آن‌ها حاکم گردد.

فرض‌های سه‌گانه سابق‌الذکر گرچه هر یک نقاط مبهمی دارند و سؤال‌هایی چند درباره آن‌ها مطرح است، اما می‌تواند پایه و مبنای بررسی نظری این مفهوم باشد. بر اساس همین سه فرض تئوریک نیز می‌توان مفهوم گفت و گوی تمدن‌ها را با گرایش‌های عمده نظری موجود تطبیق داده و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها را مشخص کرد.

گفت و گو و مذاکره بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را می‌توان با تجزیه و تحلیل وضعیت هر فرهنگ و نیازها و توانایی‌های آن‌ها شروع کرد و بعد با شناخت اهداف طرفین به مذاکره و گفت و گو پرداخت و برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده تلاش کرد.

می‌توان سعی نمود با تکیه بر دیدگاه‌های اصیل و جامع در فرهنگ جامعه، هدایت یک حرکت جهانی را آغاز کرد.

طرفین گفت و گو می‌توانند نمایندگان نسل‌ها از فرهنگ‌های مختلف باشند و یا نمایندگان از متفکرین و تئوری پردازان. البته گفت و گوی نمایندگان حکومت‌ها نیز می‌تواند زمینه‌ساز، حرکت آفرین و تضمین‌کننده نتیجه گفت و گو باشد.

لازم به یادآوری است که در آینده با ایجاد قدرت انتقال و ارتباط برای کلیه اقشار و افراد جامعه از فرهنگ‌های مختلف، زمینه‌های گفت و گوی تمدن‌ها به طور طبیعی فراهم می‌آید و اگر این زمینه‌سازی با مشارکت همه کشورهای در جهان ایجاد شود مقدمه‌ای خواهد شد تا عدالت اطلاعاتی برقرار و تلاش‌ها در جهت نیل به اهداف مورد نظر هدایت شود.

اینکه چرا امروزه باید از گفت و گوی جهانیان استقبال کرد، معرف ارزیابی صحیح مردم و نخبگان غیر وابسته به دولت‌ها از پیامدهای منفی سیطره بخش مادی و سخت افزاری حیات اجتماعی و شکست برخوردهای سیاسی-نظامی و خشونت آمیز با مسائل و ضرورت تقویت جنبه معنوی و نرم افزاری حیات اجتماعی و برخورد فرهنگی-اجتماعی مسالمت آمیز خردمندان با امور زندگی است.

برای تحقق آزادی جهانی و عدالت می‌باید از گفت و گو میان تمدن‌ها استفاده کرد و این مفهوم را به عنوان یک هنجار وارد نظام بین الملل نمود. نظامی که رقابت و برخورد بر مبنای تعریف از منافع در آن کاربرد فراوان دارد.

وضعیت کنونی جهان نشان می‌دهد که در موقعیت‌های بهنجار و متعادل بین المللی، اصل بر گفت و گوی تمدن‌ها و نه برخورد میان آن‌ها است. اما پیش‌برد این روند در گرو برآوردن شرایطی است که عمده ترین آن‌ها «استقرار اخلاق گفت و شنودی»، «فهم ارتباطی» و «روحیه مدیته» است. با تکیه بر شرایط فوق می‌توان نتیجه گرفت که تثبیت ایده گفت و گوی تمدن‌ها در عرصه روابط بین الملل مستلزم وجود یک فرهنگ مدنی - ارتباطی در مقیاس وسیع و افزایش تمایل تمدن‌های مختلف به شناسایی و آموختن از یکدیگر می‌باشد (معینی علم‌داری، ۱۳۸۰: ۱۶۶).

در پایان مقاله تأکید می‌نمایم که گفت و گوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها مفهوم و رویکردی سیاسی، فرهنگی و بین المللی و همچنین شاخص دیدگاه تازه‌ای است که با تکیه بر چند فرض تئوریک مشخص از جمله «پذیرش گفت و گو و تفاهم در ارتباطات میان جوامع و افراد»، «پذیرش مفاهیم تمدن و فرهنگ به عنوان عوامل پایه‌ای و تعیین کننده در عرصه تحولات و مناسبات بین المللی»، «پذیرش تنوع، تفاوت و تمایز میان تمدن‌ها» و «پذیرش الگوی رفتار مدنی و اخلاق معنوی در قلمروهای فردی و اجتماعی» بنا شده است.

فهرست منابع

- آبر کرامبی نیکلاس و دیگران (۱۳۶۷): فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسین پویان، تهران، چاپخش، چاپ اول.
- اینکل هارت، رونالد (۱۳۷۳): تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر، چاپ اول.
- بشیره، حسین (۱۳۷۷): «از دیالکتیک تمدن‌ها تا دیالوگ تمدن‌ها»، گفتمان: فصل‌نامه سیاسی و اجتماعی، شماره سه.
- پایا، علی (۱۳۷۷): معجزه گفت و گو، تهران، راه نو، شماره چهل و چهارم و چهل و پنجم.
- پایا، علی (۱۳۸۱): گفت و گو در جهان واقعی، تهران، طرح نو، چاپ اول.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸): فرهنگ شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، پیام امروز، چاپ اول.
- پسی، آرنولد (۱۳۶۷): تکنولوژی و فرهنگ، ترجمه بهرام شالگونوی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
- تافلر، آوین و تافلر، هایدی (۱۳۷۶): به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران، سیمرخ، چاپ سوم.
- خاتمی، سید محمد (۱۳۸۰): گفت و گوی تمدن‌ها، تهران، طرح نو، چاپ اول.
- صباغ پور، علی اصغر (۱۳۷۷): گفت و گوی تمدن‌ها در جهان متغیر، تهران، گفتمان، شماره سوم، سال اول.
- صدری، احمد (۱۳۸۱): گفت و گوی تمدن‌ها و نظریه اشاعه فرهنگی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- فولادوند، عزت‌الله... (۱۳۷۶): مجموعه خرد در سیاست، تهران، نشر طرح نو.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴): روش و بینش در سیاست، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- محسین‌زاد، مهدی (۱۳۶۹): ارتباط شناسی، تهران، سروش، چاپ اول.
- معینی علمداری، کاظم (۱۳۸۰): موانع گفت و گوی تمدن‌ها، تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول.
- هابرماس، یورگن (۱۳۷۷): کنش ارتباطی، تهران، کیان، شماره چهل و چهارم، سال هشتم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴): نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر نشر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مشخصات نویسندگان

آقای سید علی حائری زاده، مربی و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.
آقای داوود نادمی، دارای مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه آزاد و کارشناسی ارشد در رشته پژوهش‌گری علوم اجتماعی از دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.

Email: davoodnademi@yahoo.com